

آینه

اعتبار

برسر پیمان مان با مردم هستیم

● محمدباقر نوبخت: کشور را با بدهی ۳۸هزارمیلیاردی به نظام بانکی تحویل گرفتیم/ هرچه دنیا به ما زور می‌گفت، گذشتگان عمل می‌کردند/ منتقدان دولت حق انتقاد دارند و شاید ضربه‌هاکن‌شان با نزدیک شدن به انتخابات بیشتر شود/ مردم خادمان خود را فراموش نخواهند کرد و ارزش و قدر کار آنان را می‌دانند/ اگرچه وضع امروز ما مطلوب نیست اما در سال ۹۲ بدتر از این بودیم/ در زمانی که مردم باید نظر خود را به‌طور علنی اعلام کنند، شاهد حمایت آنان خواهیم بود/ روحانی، هیچ‌گاه خود را از ظرفیت‌های اصولگرایان معتدل محروم نمی‌کند/ اینکه شش قطع‌نامه را لغو کنیم، اینکه دستان تحریم را جدا کنیم، مسائلی نیست که فراموش شود/ لغو‌کنسرت در مشهد قابل ت سری به همه شهرهای دیگر نیست.

کیم

هردوبی کارند اما این کجا و آن کجا؟!

● حسین شریعتمداری: اکنون جان بی پرشش از رئیس‌جمهور محترم است که برگزار نشدن فقط کمتر از یک درصد کنسرت‌های موسیقی در مقایسه با مشکلات فراوان مردم – که به بخشی از آن اشاره شد – چه جایگاهی دارد و از چه درجه اهمیتی برخوردار است که به یکی از دغدغه‌های اصلی جناب‌عالی تبدیل شده است؟! و آیا تصور نمی‌کنید که برخی از مشاوران شما با ارائه این‌گونه مشاوره‌ها به حضرت‌عالی به دنبال حاشیه‌سازی برای فرار از پاسخ‌گویی در قبال وعده‌های برزمین‌مانده دولت به مردم هستند؟! آقای رئیس‌جمهور، نگاهی به اطراف بیندازید! بیش از هشت میلیون نفر از مردم این مرز و بوم با بی‌کاری و در نتیجه سختی معیشت دست‌به‌گریزانند آیا رسیدگی به شرایط دشوار آنان باید دغدغه شما باشد یا خواسته یک مشت مرفه بی‌درد که از برگزار نشدن فلان کنسرت موسیقی خلاف اخلاق عصبانی شده و گ‌های گردنشان بیرون رده است؟! آن هشت‌میلیون بی‌کار نگران تأمین معیشت خود هستند و جماعت مرفهان بی‌در نگران سبیری‌کردن اوقات بی‌کاری خویش! هر دو بی‌کارند، اما، این کجا و آن کجا؟!

اعتبار امروز

نهایت نفهمی و بی‌وجدانی روشنفکر نمای داخلی

● امیر اسکندی: این روزها پایگاه هوایی نوزه همدان برای پرواز یک‌سری هواپیماهای بمبافکن سنگین روسی استفاده می‌شود. بمبافکن‌هایی که اهدافی را در سوریه، ضد داعش، جبهه النصره و گروه‌های تروریستی بمباران می‌کنند و خبر این در راستای منافع و الزامات امنیتی است که ما در موضوع نابودی این گروه‌های تروریستی داریم و بر مبنای آنچه در بند اول این متن به آن اشاره کردیم به نوعی ناگزیر از این برخورد هستیم. همکاری با روسیه در راستای مقابله با این تروریست‌های دشمن در چه یک ما، به نوعی گام‌زدن در جهت منافع ملی ما خواهد بود و این مهم است که با نگاه مطلق به منافع‌مان به این همکاری بنگریم... در این میان اما درندناگزی این است که روشنفکر نمایان و روزنامه‌نگارانی در داخل کشور ما پیدا می‌شوند که همسوا با روند فریب رسانه‌ای در رسانه‌های غربی هستند و حتی اگر خودشان قبول نداشته باشند به همان اندازه رسانه‌ها و دولت‌های غربی حامی تروریست‌های تکفیری موجود در سوریه‌اند. اینکه نگران جان کودکان باشیم بسیار زیبا و انسانی است ولی اینکه از کانالی آن را به پیش ببریم که در نهایت به حمایت از اندیشه‌ای ختم شود که سر یک کودک را برای ایجاد پروپاگاندای سیاسی از بیخ می‌برد، نهایت نفهمی و بی‌وجدانی است. البته در جنگ‌ها قربانیان اصلی بی‌دفاع‌ترین‌ها هستند ولی هنگامی که در روبرو ر منطقی جز شمشیر آخته نیست باید چه کرد؟ آیا باید خود را به نفهمی زد و از سر کینه و ناراحتی از جمهوری اسلامی و در پوشش نگرانی از حضور روس‌ها در نوزه به هر نحوی که شده ساز مخالفی کوک کرد؟

ایران

رنگ خطر بی‌قانونی

● بهمن کشاورز: قانون اساسی تا آتجا پیش رفته که در انتهای اصل ۱۰۷ قانون اساسی تصریح می‌کند «...رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است». این اشاره به خاطر آن است که دیگران به اصطلاح حساب کار خودشان را داشته باشند. دومین مقام اجرائی کشور نیز به خاطر بعضی از رفتارها وادار می‌شود که وزرای خود را از تسلیم در برابر بی‌قانونی‌ها منع نماید. فراموش نکنیم قانون اساسی را مجموعه‌ای متشکل از فقهای دارای اجتهاد و علمای بلندمرتبه حقوق و متخصصان رشته‌های مختلف تدوین و تصویب کرده‌اند. لذا مفاد آن نه تنها محترم، بلکه مقدس است. اعمال قوه مجریه جز در مواردی که مستقیماً به مقام رهبری مربوط می‌شود، با رئیس‌جمهوری است و وی مسئول اجرای قانون اساسی است، در نتیجه قابل قبول و توجیه نیست که ارکان قانون اساسی و سیاست‌های دولت از جانب افرادی در هر مقام و مرتبه‌ای باشند، مخدوش شود. بنابراین افرادی که درخصوص برگزاری وعده برگزار کنسرت‌ها طراحی را عنوان می‌کنند که به نوعی مخالفت با ضوابط قانونی و سیاست دولت به ذهن القا‌کند، قابل پذیرش نیست. حاصل اینکه هر نوع بی‌قانونی و بی‌توجهی به مفاد قانون اساسی، قوانین عادی و سیاست‌گذاری‌های دولت نخستین زنگ خطر است که می‌تواند اولین قدم برای تزلزل نهادهای قانونی حکومت و نظام محسوب شود.

سیاست

هفتادوپنجمین سالگرد اشغال ایران به‌وسیله روس و انگلیس

میهمانان ناخوانده



اینجا ایران است، سوم شهریور ۱۳۲۰. شوروی و انگلیس و آمریکا از شمال، جنوب و غرب کشور، به بهانه مقابله با آلمان نازی به ایران یورش می‌برند. جنگ جهانی دوم تبعات عجیبی برای ایران داشت. کشوری در میانه این آتش عالم‌گیر اعلام بی‌طرفی کرده بود. تصمیم برای اشغال ایران از مردادماه سال ۱۳۲۰ اتخاذ شده بود و برنامه آن در سوم شهریور اجرا شد. پس از آغاز جنگ جهانی دوم در شهریور سال ۱۳۱۸ ایران اعلام بی‌طرفی کرد؛ اما این بی‌طرفی قوام و دوام چندانی نیافت. ایران مجبور شد به صورت تحمیلی به متفقین بپیوندد. متفقین حضور جاسوسان آلمانی در ایران را بهانه‌ای برای اشغال خاک این سرزمین کردند؛ اگرچه بهانه متفقین برای حمله وجود عده‌ای آلمانی در ایران بود؛ اما به

نظر می‌رسید علت اصلی، چیز دیگری بود. وینستون چرچیل، نخست‌وزیر وقت انگلیس، در خاطرات خود درباره اشغال ایران می‌نویسد: «زور ارسال انواع و اقسام سازوبرگ و مهمات برای شوروی از یک طرف و اشکالات روزافزون راه اقیانوس منجمد شمالی و نقشه‌های استراتژیکی متفقین در آینده از طرف دیگر بیش‌ازپیش ما را بر آن می‌داشت که برای استفاده کامل از ایران برای ارتباط با شوروی اقدام فوری معمول داریم. جاه‌های نفت ایران به منزله عامل مهمی در جنگ به شمار می‌رفت. عده کثیری از آلمانی‌ها در تهران استقرار یافته‌اند. وضعیت جبهه نظامی آلمان در ایران روزبه‌روز بهتر می‌شد؛ اما خوشبختانه در ماجرای شورش در عراق در فاصله کمی صورت گرفت، نقشه‌های هیتلر در خاورمیانه با اشکالات بسیاری مواجه شد؛ بنابراین ما از موقعیت استفاده کرده و بر آن شدیم که به روس‌ها دست اتحاد بدهیم و به اتفاق مبادرت به لشکرکشی به ایران کنیم. (جلد چهارم کتاب هفت یار اشغال ایران در ۲۳ قرن). این‌گونه بود که شوروی از شمال و شرق و انگلیس از جنوب حملات هوایی و زمینی خود علیه ایران را آغاز کردند. آنان برای رسیدن به تهران اقدام به اشغال شهرهای میانه راه کردند. لحظات اولیه حمله، یعنی درست در ساعت چهار بامداد سوم شهریور، اسمرینف، سفیر کبیر شوروی و سر ریدر بولارد، وزیرمختار بریتانیا، در منزل رجبعلی منصور، نخست‌وزیر وقت حضور یافته و در یادداشتی حمله قوای خود را به کشور ابلاغ کردند. سیهبد احمد امیراحمدی، فرماندار نظامی تهران، در شهریور ۱۳۲۰ در خاطرات می‌نویسد: «اول شهریور ۱۳۲۰ که روس و انگلیس آخرین جواب یاس را شنیده و آماده برای حمله به ایران بودند، سفرای خود را به منزل علی منصور، نخست‌وزیر، فرستادند و گفتند چون کمک به روسیه برای ما جنبه حیاتی دارد، ناگزیریم که قوش به ایران بیاوریم و این کار را خواهیم کرد؛ منصور با جلجه به دربار رفت و جریان را به شاه عرضه داشت. رضاشاه دربار غروری که داشت، به منصور متغیر شد که چرا پس از شنیدن این اوتیماتوم سفیر روس و انگلیس را از پنجره اتاقت به بیرون پرتاب نکردی؟ و قدری پراخش کرد. منصور نیز بازگشت و عین این جریان را گفت و آتش اختلاف بیشتر شعله‌ور شد و طبعاً نمایندگان روس و انگلیس مواقع را به دولت‌های خود گزارش دادند و چنان شد که روز سوم شهریور ۱۳۲۰ قشون انگلیس که در بصره و بغداد متمرکز بود، از سرحدات غربی و جنوب ایران سرازیر شد و قشون روس نیز از مرزهای آذربایجان، گیلان و خراسان وارد ایران شد و به پیمان‌ها و عهودی که با ایران داشتند، پشت‌با زدند. بهانه روس‌ها این بود که طبق فصل ششم از قرارداد ۱۹۲۱ که می‌نویسد اگر نیروی دولت ثالثی در خاک ایران مرزهای روسیه را تهدید کند، دولت شوروی حق دارد برای رفع آن خطر نیروی نظامی در ایران پیاغه کند و این بهانه خود را محق می‌دانسته برای رفع خطر آلمان‌هایی که در ایران هستند، قوا، پیاده‌کنند؛ درحالی‌که این قرارداد چنین معنایی نداشت و این فصل ناظر به فعالیت روس‌های سفید بود که در اوایل انقلاب روسیه احتمال می‌رفت که در کشورهای مجاور روسیه فعالیت کنند. مضافاً متن فرانسه و روسی و فارسی این فصل با هم اختلاف دارد و وجود یک عده مهندس و متخصص آلمانی را در استخدام ایران بودند، نمی‌توان به نیروی نظامی‌ای که خاک روسیه را تهدید کند، تعبیر کرد؛ اما ادعای انگلیس‌ها مضحک‌تر از این بود و آنها می‌گفتند چون روسیه چنین حقی دارد که درباره تهدید خاک خود قشون در ایران پیاده کند، ما هم که متفق جنگی روسیه هستیم، چنین حقی داریم. متأسفانه، این دو دولت قوی‌که مدعی بودند برای آزادی جهان از خطر فاشیسم جنگ می‌کنند، شبانه قشون مسلح به ایران وارد کردند و به شهرهای بی‌دفاع حمله کردند».

به‌هرروی منصور به همراه جواد عامری، کفیل وزارت امور خارجه، به کاخ سعدآباد رفت و رضاشاه را مطلع کرد و سپس راهی مجلس شورای ملی شد و گزارش حمله نظامی روسیه و بریتانیا را به اطلاع نمایندگان مجلس رساند. شهرهای بی‌دفاع شمال و جنوب کشور در جریان حمله مهاکنک و مشترک روس و انگلیس، بمباران شدند و نیروی دریایی ایران در خلیج فارس و دریای خزر در چند ساعت مضمحل شد. دربادار پایندر، فرمانده نیروی دریایی،

نیز در همان روز اول حمله شهید شد. نیمه‌شب ناوهای جنگی انگلیس به ساحل خرمشهر نزدیک شده و با شلیک توپ به بندر حمله بردند و ناوهای ایران را سحرگاه از پای درآوردند. چند دقیقه بعد خبر بمباران هوایی از اهواز رسید. خبرهای دیگری از شمال، حمله به آذربایجان، نقاط مرزی و بمباران‌های هوایی رسید. نیروهای حکومت شوروی به طرزی وحشیانه سربازخانه‌ها را هدف قرار داده و ترس و وحشت مردم را فرا گرفت. رضاشاه که اصلاً انتظار چنین حمله‌ای را از سوی متفقین نداشت، دستور داد سفرای روس و انگلیس به کاخ سلطنتی دعوت شوند. سفرای هر دو کشور پیش از ظهر در کاخ شاه حضور یافتند؛ اما با جواب‌های مبهم خود بیش‌ازپیش شاه را نگران کردند. این اتفاق در میانه جنگ جهانی رخ داد و این حمله حاصل سومین تباتی ارتش سرخ شوروی و نیروهای بریتانیا بود که به زبان حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران شکل می‌گرفت. قرن نوزدهم در پایان جنگ‌های طولانی روسیه با ایران، تباتی این کشور با بریتانیا علیه ناپلئون در اروپا، سبب حمایت بریتانیا از انعقاد پیمان‌های گلستان و ترکمانچای و تحمیل آن بر ایران شد. اوایل قرن بیستم نیز پیمان‌های ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ سبب تقسیم ایران به حوزه نفوذ دو کشور انگلیس و شوروی و زمینه‌ساز حضور نظامی آنان در ایران شد. سومین‌بار هم همین اتفاق بود که باعث شد ایران تاوان بسیاری پرداخت کند.

شکست ارتش در برابر متجاوزان

در ماه‌های پیش از شهریور ۱۳۲۰ متفقین چندبار از دولت ایران برای عبور مسالمت‌آمیز نیروهایشان درخواست کرده بودند اما این درخواست از طرف رضاشاه رد می‌شد. در ستاد ارتش، سیهبد رزم‌آرا مدتی پیش از حمله متفقین، آمادگی نداشتن ارتش برای دفاع از مرزها را به سرلشکر ضرعامی فرمانده ارتش گزارش کرده و پیشنهاد داده بود به دلیل نداشتن توانایی مقابله با شوروی، از راه‌های سیاسی برای رفع خطر اقدام شود. گزارش توسط ضرعامی به شاه ارائه می‌شود اما او خشمگین شده و می‌گوید:

را برای تحقیق بیشتر به جلسه بعد ستاد کل می‌فرستد. رزم‌آرا کمبود نفرات و امکانات به‌ویژه امکانات ترابری موتوری را دلیل اصلی‌داشتن توان مقابله با شوروی بیان می‌کند. رضاشاه مدتی بعد دستور تشکیل لشکرهای جدید را صادر می‌کند اما از صدور فرمان آمادگی برای دفاع خودداری می‌کند.

لشکرهای ارتش بدون افزایش نفرات و امکانات به تعداد مورد نظر رضاشاه افزایش می‌یابند و درواقع برخی لشکرها به چند لشکر تقسیم می‌شوند. رضاشاه امکان حمله متفقین را بسیار کم می‌دانست به‌همین‌دلیل ارتش ایران هیچ‌گونه آمادگی برای مقابله به حمله متفقین نداشت. دریافت خبرهای مربوط به تلاشی‌شدن لشکرهای تبریز، رضاییه، گیلان، اردبیل، مشهد و کرمانشاه سبب شد تا رضاشاه لشکرهای دو پادگان مرکزی را در اطراف تهران به حالت دفاعی مستقر کند. در همین روز رضاشاه در تلگرافی به روزولت، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا از او خواست مانع پیشروی انگلیس و روسیه در داخل ایران شود، اما دولت آمریکا با صراحت این درخواست را رد و تأکید کرد که ایالات متحده، هدف بریتانیا را هدف خود می‌شمارد. غروب سوم شهریور، رضاشاه که متعاقب دریافت پاسخ دولت آمریکا، امیدي به توقف حملات بریتانیا و روسیه نداشت و از جبهه‌های جنگ دوم جهانی نیز اخبار سرت‌بخش دریافت نمی‌کرد، سربازان اجتنابی چهار دوره شامل متولدین ۱۲۹۴ تا ۱۲۹۷ را به خدمت فراخواند. او در شامگاه همان روز، خبرهای مربوط به پیشروی قوای روس و انگلیس را به سوی تهران دریافت کرد.

کناره‌گیری رضاشاه از سلطنت

پنجم شهریور رجبعلی منصور در جلسه فوق‌العاده هیات دولت که در حضور رضاشاه تشکیل شده بود، نامی‌انده از مقام رئیس‌الوزاریا استعفا داد و رضاشاه، مجید آهی وزیر دادگستری را مأمور تشکیل کابینه کرد؛ اما او هم از پذیرفتن این سمت امتناع کرد و به‌ناچار مسئولیت نخست‌وزیری کشور به محمدعلی فروغی واگذار شد. فروغی در منزل خود با سفیران بریتانیا و روسیه درباره ترک محاصره

و توقف جنگ مذاکره کرد. در همین نشست فروغی از نیت انگلیس‌ها برای برکناری و تبعید رضاشاه باخبر شد. در نتیجه رضاشاه، همه اعضای خانواده‌اش را به‌استثنای ولیعهد روانه اصفهان کرد و خود نیز تصمیم به استعفا را به اطلاع فروغی و اعضای کابینه‌اش رساند. (کتاب زندگی سیاسی محمدعلی فروغی). ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ که رضاشاه، سه هفته پس از اشغال ایران توسط متفقین، تبعید شد، روز پایان حیات سیاسی او و آغاز حیات سیاسی فرزندش محمدرضا پهلوی است. استعفا و تبعید رضاشاه پس از آن صورت گرفت که دولت‌های روسیه و انگلستان به دلیل مناسبات رویه‌گسترش رضاخان با آلمان هیتلری، سه بار به او هشدار دادند. در آن زمان اخبار و گزارش‌های دریافتی از جبهه‌های جنگ دوم جهانی حاکی از پیشرفت روزافزون آلمان و شکست‌ها و عقب‌نشینی‌های متفقین بود. حسین فردوست در خاطرات خود می‌نویسد: «...در اوج قدرت نازی‌ها در آلمان به دستور رضاخان یک کابینه جوان به نخست‌وزیری متین دفتری روی کار آمد. وظیفه این کابینه نزدیک‌شدن به آلمان بود. عملاً نیز روابط تجاری و صنعتی بین ایران و آلمان توسعه یافت. با پیشرفت آلمان‌ها در جنگ و نزدیک‌شدن آنها به کوه‌های قفقاز رضاخان هم انگلیس‌ها ناسزا می‌گفت اما با شروع شکست آلمان رضاخان دست‌پاچه شد و منصورالملک را که از مهره‌های انگلیس به شمار می‌رفت نخست‌وزیر کرد...». از دید رضاشاه اعلام بی‌طرفی، موضعی مناسب در برابر دو جبهه‌ای بود که یکی به عقیده او در حال سقوط بود، اما در پشت مرزهای ایران کمین‌کاری ناسزا می‌گفت اما با شروع شکست آلمان رضاخان فاصله داشت. در چنین شرایطی رضاخان بنا داشت در برابر تهدیدات روسیه و انگلیس به سیاست وقت‌کشی روی آورد. او به‌ویژه تهدیدات روس‌ها را در وضعیت بی‌حکمتی که اوکرانین به اشغال نظامیان هیتلر درآمده و آلمانی‌ها به سوی مسکو در حرکت بودند، جدی نگرفته بود. به‌هرروی پس از اشغال ایران، بریتانیا پیامی به این مضمون به رضاشاه ارسال کرد: «ممکن است اعلی‌حضرت لطفاً از تخت را به پسر ارشد و ولیعهد واگذار نمایند؟ ما نسبت به ولیعهد نظر مساعدی داریم و از سلطنتش حمایت خواهیم کرد. مبدا اعلی‌حضرت تصور کنند که راه‌حل دیگری وجود دارد».

پس از اشغال ایران، بریتانیا پیامی به این مضمون به رضاشاه ارسال کرد: «ممکن است اعلی‌حضرت لطفاً از سلطنت کناره‌گیری کرده و تخت را به پسر ارشد و ولیعهد واگذار نمایند؟ ما نسبت به ولیعهد نظر مساعدی داریم و از سلطنتش حمایت خواهیم کرد. مبدا اعلی‌حضرت تصور کنند که راه‌حل دیگری وجود دارد». رضاشاه سپس تحت نظر نیروهای بریتانیایی از بندرعباس با کشتی به ایران خارج شد. ابتدا او را به سمت هند بردند. بعد به جزیره موریس منتقل شد و بالاخره در آفریقای جنوبی در شهر ژوهانسبورگ تحت نظر قرار گرفت.

توصیب پیمان سه‌جانبه در مجلس سیزدهم شورای ملی

دو هفته از اشغال ایران به وسیله متفقین در جنگ جهانی دوم نگذشته بود که عملکرد شوروی، مانند بمباران حومه تهران و مشهد به وسیله نیروهای هوایی شوروی، استقرار ارتش سرخ در قزوین، خلع سلاح نیروهای پلیس و ژاندارمری در شهرهای مختلف کشور، مصادره کامیون‌های ایرانی از سوی نظامیان ارتش سرخ و اسیرشدن دیپلماتی از افسران ایرانی به دست شوروی‌ها، در نگرانی‌های ایرانی‌ها و انگیسی‌ها افزود و آنها را به واکنش واداشت. انگلیسی‌ها دریافتند که اشغال ایران به نحوی که انجام شده ممکن است روس‌ها را به طمع اندازد تا پس از جنگ جهانی دوم ایران را ترک نکنند. این نگرانی‌ها ابتدا با فعال‌شدن دیپلماسی آمریکا در ایران کاهش یافت چراکه آمریکا نگرانی خود را از دسیسه‌های شوروی در مناطق اشغالی و تبلیغات ضدحکومتی و حرکات تجزیه‌طلبانه به شوروی اعلام کرد. (کتاب روابط خارجی ایران صفحه ۱۰۴). چرچیل پس از ارسال تلگرافی به استالین و با اعلام دلایلی همچون جلوگیری از اغتشاشات روزافزون داخلی که راه تأمین احتیاجات شوروی را به خطر خواهد انداخت، به ایران پیشنهاد کرد که یک پیمان اتحاد سه‌جانبه با روسیه و انگلیس منعقد کند تا اشغال خاک این کشور به صورت اقامت دوستانه قوای متفقین در دوران جنگ درآید. (کتاب روابط خارجی ایران صفحه ۴۶۵).

پیش‌نویس قرارداد سه‌جانبه از سوی ایران، انگلیس

و شوروی تهیه و در دوم دی ۱۳۲۰ تقدیم مجلس سیزدهم شد. مجلس در مرحله اول اصلاحاتی را پیشنهاد داد که در قرارداد منظور شود. دولت انگلیس اما با این اصلاحات مخالفت کرد. محمدعلی فروغی، نخست‌وزیر وقت، روز پنج بهمن در جلسه هفدهم مجلس شورای ملی برای دفاع از پیمان در مجلس گفت: «طرح پیشنهادی حدود سه‌ماه با متفقین مورد بحث قرار گرفته و به‌نفع ایران است» و مخالفان قرارداد را به بی‌اطمعی از واقعیت مشهود در نظام بین‌المللی متهم می‌کند. فروغی نفع متفقین در ایران را وجود راه تدارکاتی برای رساندن محصولات نظامی به شوروی قلمداد می‌کرد و معتقد بود با امضای پیمان، متفقین باید استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران را به رسمیت بشناسد و موقعیت نیروهایی را که هم‌اکنون در خاک ایران هستند، دگرگون می‌سازد به‌طوری‌که به‌عنوان نیروهای اشغالگر نمی‌توانند برای مدت مدیدی در خاک ایران بمانند. (کتاب تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران صفحه ۳۷۲). سرانجام لایحه اتحاد در تاریخ هشت بهمن ماه ۱۳۲۰ در فصل و سه ضمیمه پس از یک ماه بحث و گفت‌وگو با ۸۰ رأی از ۹۳ رأی نمایندگان مجلس به تصویب رسید. این پیمان یک روز بعد در کاخ وزارت امور خارجه به امضای آندریویچ اسمیرنف، سفیر شوروی، سر ریدربولارد، وزیرمختار انگلیس و علی سهیلی، وزیر امور خارجه ایران، رسید.

مفاد پیمان اتحاد سه‌گانه

در پیمان منعقدشده بین سه کشور، طرفین تعهداتی را پذیرفتند. دولت ایران در فصل سوم قرارداد متعهد می‌شود که با تمام امکانات و وسایلی که در اختیار دارد، با متفقین در جهت دفاع از قلمرو خود همکاری کند، هرچند این همکاری محدود به حفظ امنیت داخلی است و نیروهای نظامی ایران مجاز به شرکت در هیچ جنگ یا عملیات نظامی علیه نیرو یا نیروهای خارجی نخواهند بود. حق استفاده نامحدود متفقین را در حفاظت، حراست و کنترل تمام خطوط و وساییل ارتباطی برای عبور قشون و تدارکات پذیرد، تمام راه‌های شوسه، راه‌آهن، فرودگاه‌ها، بنادر، لوله‌ها و تأسیسات نفتی و تلگراف و بی‌سیم و روزنامه‌ها مشمول این ماده می‌شوند. هر نوع مساعدتی که برای نگهداری نیروهای متفق و بهبود خطوط ارتباطی لازم باشد، انجام دهد و تسهیلات لازم را در اختیار آنها قرار دهد. شاه ایران در فصل دیگری دفاع کنند. در روابط خود با کشورهای دیگر روشنی اختیار نکند که با مفاد این پیمان منافات داشته باشد و ایران به‌هیچ‌وجه حق انعقاد پیمانی را که با مقررات این پیمان منافات داشته باشد ندارد. از سویی دیگر اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان در دو فصل اول و سوم منفرد و مشترکاً تعهد می‌کنند حاکمیت و استقلال سیاسی ایران را محترم بشمارند و با تمام وسایلی که در اختیار دارند، از ایران در قبال هر تجاوزی از جانب آلمان یا هر دولت دیگری دفاع کنند. در فصل ششم ذّول متفق متعهد می‌شوند در روابط خود با کشورهای دیگر، روشی را اتخاذ نکنند که با قرارداد سه‌جانبه منافات داشته باشد. قدرت‌های متفق همچنین، طبق ماده پنج قرارداد متعهد می‌شوند که پس از خاتمه جنگ بین متفقین و کشورهای محور، حداکثر تا شش ماه نیروهای خود را از ایران خارج کنند و چنانچه پیمان صلحی بین آنها بسته شد، بلافاصله نیروهای خود را بیرون بکشند و سرانجام در فصل هفتم متعهد می‌شوند که مشترکاً تمامی مساعی خود را به کار ببرند تا وضعیت اقتصادی و فقر ناشی از اشغال نظامی را برطرف کنند.

روس‌ها نمی‌روند

اشغال ایران محدود به قوای بریتانیا و روسیه نبود. پس از ورود آمریکا به جنگ، عده‌ای از نظامیان آن کشور نیز وارد ایران شدند، اما استقلال و تمامیت ارضی ایران، نخست با امضای یک پیمان سه‌جانبه بین ایران، انگلیس و شوروی در بهمن ۱۳۲۰ و سپس با صدور اعلامیه‌ای که در پایان کنفرانس سران متفقین، روزولت، چرچیل و استالین در تهران منتشر شد، به‌ظاهر تضمین شد. در پایان این کنفرانس که آی‌روماه در تهران تشکیل شد، طرفین تعهد کردند نیروهای نظامی خود را در شش ماه از ایران خارج کنند. دولت شوروی قبل از خاتمه جنگ درصدد به‌دست‌آوردن امتیاز استخراج نفت در دریای شمال برآمد، اما چون با تصویب قانون منع اعطای امتیاز نفت به خارجیان در مجلس شورای ملی، از دریافت این امتیاز محروم شد، بنای مخالفت و ناسازگاری با دولت ایران را گذاشت و پس از خاتمه جنگ مقدمات شورش مسلحانه را در آذربایجان فراهم کرد. نیروهای شوروی از حرکت واحدهای اعزامی ارتش برای سرکوبی این شورش جلوگیری کرده و موجبات تسلط حزب دموکرات بر آذربایجان و سپس کردستان را فراهم کردند. چند ماه بعد هیئت‌های شوروی از تخلیه ایران در موعد مقرر خودداری کردند، اما پس از شکایت ایران به شورای امنیت و مسافرت قوام‌السلطنه، نخست‌وزیر وقت، به مسکو که به امضای موافقت‌نامه‌ای درباره تشکیل شرکت مختلط نفت ایران و شوروی منجر شد. در اردیبهشت سال ۱۳۲۵ نیروهای خود را از ایران خارج کردند.

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

کیم

- بنیابه ۲۱۱ نماینده مجلس در رابطه با تروریست‌خواندن سپاه ایران: اهانت به سپاه اهانت به ملت ایران است
- رئیس مجلس: استکیار جهانی در پی تشدید اختلافات مذهبی است
- امضای چند سند همکاری جدید مناسبات در روابط تهران و باکو
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: علمای ما در تبیین تاریخ شیعه فعالیت چندانی نکرده‌اند
- گزارش وزارت اقتصاد از دو سال فعالیت دولت نهم: افزایش صادرات غیرنفتی، کاهش نرخ بی‌کاری و فعال‌شدن بخش تعاون
- رئیس کمیته روابط خارجی پارلمان مصر: آمریکا برای برقراری ثبات در عراق نیازمند ایران است

اعتبار

- تغییر و تحولات در کابینه نهم: ابراهیم شبیانی میان ماندن و رفتن از بانک مرکزی سخنگوی دولت بار دیگر مطرح کرد:
- مافیای حزبی -خانوادگی به دنبال نفت
- محمود احمدی‌نژاد: در تاریخ ایران تنها من همه ایران را دیده‌ام
- لغو دوباره نظر دولت از سوی مجلس: ساعت کشور از اول فروردین جلو کشیده می‌شود
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: اعتماد مردم در سلاطت انتخابات است
- رئیس‌جمهور: مارک‌های خارجی حذف شود

ایران

- بنیابه ۲۱۱ نماینده مجلس در حمایت از سپاه در واکنش به برخی محافل تندرو آمریکا
- استقبال سازمان شانگهای از همکاری با ایران
- سخنگوی دولت: توقف و تعلیق غنی‌سازی در توافق ایران و آژانس مطرح نیست
- نگرانی آمریکا از توافق نهایی ایران و آژانس
- احمدی‌نژاد: قدرت‌های زورگو باید رفتار خود را در جهان تغییر دهند
- غلامحسین الهام: مقابله با قاچاق سوخت، نیازمند عزم ملی است
- با ۱۲۱ رأی موافق و ۴۶ رأی مخالف، مجلس، ساعت رسمی کشور را تغییر داد
- مادالین آلبرایت، وزیر خارجه اسبق آمریکا: دیپلمات‌های آمریکا فهم درست از دین ندارند

آفتاب

- احمدی‌نژاد در جمع خبرنگاران آذربایجانی: مخالفان گسترش روابط ایران و جمهوری آذربایجان، احق هستند
- وزیر خارجه آذربایجان: موضوع «رادار قیله» در سفر احمدی‌نژاد بررسی نشد
- سخنگوی دولت: مردم تضمین نداده‌اند که عده‌ای همیشه در حکومت بمانند
- کشته و زخمی‌شدن دست‌کم ۷۰ نفر در عملیات انتحاری در شمال عراق
- رئیس کمیته مسکن مجلس خبر داد: اجرای کمتر از ۱۷ درصد تعهدات دولت برای ساخت مسکن
- نماینده آمریکا در آژانس انرژی اتمی: همکاری ایران با آژانس کافی نیست!

جمهوری اسلامی

- احمدی‌نژاد: ایران از گرده‌های سخت هسته‌ای عبور کرده است
- آیت‌الله صافی‌گلپایگانی: پایکوبی در اعیاد مذهبی حرام است
- سخنگوی دولت: توقف و تعلیق در مذاکرات هسته‌ای مطرح نیست
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: نهادهای فرهنگی در تبیین تشیع غفلت می‌کنند
- رئیس‌کل دیوان محاسبات: ما تکلیف داریم از بیت‌المال حفاظت و پاسداری کنیم
- معاون ارزی بانک مرکزی: کناره‌گیری ابراهیم شبیانی از ریاست بانک مرکزی شایعه است

اطلاعات

- معاون شورای‌عالی امنیت ملی: توانستیم به نتایج بسیار بزرگ و پیشرفت سازنده‌ای دست یابیم
- رئیس‌جمهور آمریکا: خروج از عراق پیامدهایی مشابه با خروج از ویتنام را خواهد داشت
- محمود احمدی‌نژاد: مبانی دیپلماسی ایران، توحید، عدالت و حفظ کرامت انسان هاست
- سخنگوی دولت: مدیریت مرزها باید بیانگر اقتدار کشور باشد
- آیت‌الله درّی‌نجف‌آبادی، دادستان کل کشور: اقتدار سپاه نظام سلطه را به ستوه آورده است